خبر

وابستگی ۲ میلیون کودک در آلمان به کمک‌های اجتماعی

حدود دو میلیون کودک با والدین‌شان در آلمان وابسته به کمک‌های اجتماعی و دولتی هستند. به گزارش پایگاه جامعه و فرهنگ ملل و به نقل از روزنامه فرانکفورتر آلگماینه، این تعداد مشابه با ارقام سال ۲۰۱۵ و اوج مهاجرت به این کشور است. این تحقیق، نتیجه ارزیابی اداره کار فدرال آلمان بوده که روزنامه فرانکفورتر آلگماینه سایتونگ آن را گزارش داده است. اما آنچه در این مدت زمانی تغییر کرده است، تناسب کودکان آلمانی و خارجی در ارتباط با دریافت پول شهروندی در آلمان است. پول شهروندی (B-rgergeld) در اول سال جاری، جانشین کمک‌های اجتماعی دولتی موسوم به «هارتس ۴» شد. با این حال، در این دوره، رابطه بین کودکان آلمانی و خارجی دریافت‌کننده مزایای شهروندی تغییر کرده است. در حالی‌که در سال ۲۰۱۵ حدود ۱/۵۷ میلیون کودک آلمانی از این مزایا استفاده می‌کردند، این تعداد در مارس ۲۰۲۳ به ۱/۰۳ میلیون نفر کاهش یافت. در مقابل، تعداد کودکان خارجی از ۳۶۵ هزار به ۹۳۵ هزار افزایش یافته است.

درخصوص اعطای مبالغ کمکی دولت به کودکان، موانعی وجود دارد. ینس توترین، مقام ارشد حزب دموکرات‌های آزاد، ضمن مخالفت با این موضوع گفته است: «فقر کودکان اغلب نتیجه فقر کاری والدین است اما صرفا افزایش مبلغ مزایای اجتماعی این مشکل را حل نمی‌کند.»



یادداشت

اکبر معصومی | تحلیلگر مسائل بین‌الملل



تله صهیونیست‌ها برای آل‌سعود

وضعیت به‌هم ریخته رژیم صهیونیستی در حوزه‌های مختلف امنیتی، اقتصادی و سیاسی باعث شده است که این رژیم صلح اسرائیل با عربستان را مطرح و دنبال کند. در طول دو سه سال اخیر به‌خصوص بعد از نخست‌وزیری نتانیاهو، تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بیشتر شده‌است. از این رو با بررسی کشورهای مختلفی که روند عادی‌سازی رابطه با این رژیم را درپیش گرفتند، نشان می‌دهد که نه‌تنها از رویکرد عادی‌سازی منافعی را کسب نکردند، بلکه به‌شدت متضرر نیز شدند.

به طوری که بررسی روند کشورهایی همچون مصر که پیشگام در امر عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی بوده است، نشان می‌دهد که قاهره بعد اتخاذ روند عادی سازی، به‌تدریج جایگاه معنوی و سیاسی خود را در جهان اسلام از دست داد. این موضوع دربردارنده این نکته است که صهیونیست‌ها توانستند با موضوع عادی سازی رابطه خود با مصر، این کشور را تضعیف کنند و از میزان نفوذ این کشور در بین اعراب و جهان اسلام به‌شدت بکاهند. این یک موفقیت برای اسرائیل و شکست بزرگی برای مصر محسوب می‌شود. از همین رو ممکن است چنین وضعیتی برای عربستان سعودی اتفاق بیفتد.

رژیم صهیونیستی برای این‌که بتواند در تکمیل صلح با اعراب تحت عنوان صلح به اصطلاح «آبراهام» با عربستان وارد مذاکره شود و در نتیجه عادی سازی رابطه با این کشور را اعلام کند، ممکن است وعده‌های بسیاری به این کشور بدهد.

توقف شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی، شناخت کشور فلسطین و ... از جمله ترفندهای رژیم برای عادی‌سازی رابطه با عربستان خواهد بود.

از این رو در صورت موفقیت، آن روز به عنوان روز عقب‌نشینی عربستان سعودی از آرمان‌های فلسطین در بین افکار عمومی دنیا مخابره خواهد شد و این یعنی شکستی بزرگ برای عربستان سعودی به‌عنوان کشور تاثیرگذار در جهان اسلام. از این رو، مسأله عادی‌سازی، تله‌ای برای آل‌سعود است که اسرائیل تلاش می‌کند وضعیت مصر را برای عربستان به‌وجود آورد.

نباید فراموش کرد که یکی از اهداف مهم غرب در خاورمیانه، تضعیف، تجزیه و جلوگیری از قدرتمند شدن کشورهای منطقه از طریق رژیم صهیونیستی است.

بی‌فایده بودن روند عادی‌سازی برای کشورهای عربی به اندازه‌ای واضح است که باعث اعتراف کشور امارات به‌عنوان کشور پیشتاز در امضای صلح آبراهام شده است.



یوسف العتیبه، سفیر امارات متحده عربی در آمریکا به‌تازگی در نشستی که به مناسبت سومین سالگرد امضای توافق سازش و عادی‌سازی روابط امارات با اسرائیل برگزار شده، موضع‌گیری قابل تاملی را ایراد کرده است. العتیبه گفته «یکی از بندهای اصلی توافق عادی سازی روابط امارات با اسرائیل، معطوف به متوقف شدن شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها در کرانه باختری بوده است.»

با این حال، اسرائیلی‌ها به عهد خود وفا نکرده‌اند و البته که امارات نیز آن مقدار نفوذی را که هنگام امضای توافق عادی‌سازی با اسرائیل داشت، دیگر ندارد. العتیبه همچنین با اعتراف ضمنی به بی‌فایده بودن توافق سازش امارات-اسرائیل، به طور خاص به این نکته اشاره کرده که توافق مذکور صرفا برای راه‌حل استقرار دو دولت در اراضی اشغالی، زمان خریده است. العتیبه در ادامه مدعی شده «از این‌که جوامع امارات و اسرائیل چگونه خیلی زود پذیرای فرهنگ‌های یکدیگر شدند، متعجب شده است.»

موضع‌گیری‌های اخیر سفیر امارات در آمریکا، نوعی اعتراف ضمنی به شکست جدی ابوظبی به عنوان اولین کشور عربی حاشیه خلیج‌فارس که روابط خود را با رژیم اشغالگر قدس عادی‌سازی کرده، تلقی می‌شود. توجه داشته باشیم که اماراتی‌ها از عادی‌سازی روابط با اسرائیل چهار هدف داشتند که در همگی آنها متحمل شکست شدند. حالا با وجود تجربه کشور مصر و امارات و برخی از دیگر کشورهای عربی اسلامی، حرکت عربستان بر مبنای صلح با رژیم صهیونیستی، خودکشی تمام‌عیار این کشور در دنیای سیاست و امنیت خواهد بود. از این رو، تحقق صلح بین رژیم صهیونیستی، به معنای پذیرش شکست عربستان سعودی در مقابل ایران و ترکیه در درون جهان اسلام خواهد بود. این مهم، عربستان را در بین افکار عمومی جهان اسلام از یک کشور محبوب به یک کشور منفور تبدیل می‌کند و روندهای این کشور در حوزه دیپلماسی عمومی را دچار مشکل خواهد کرد. از این رو براساس منطق و عقلانیت، انتظار قبول شرایط عادی‌سازی از طرف حاکمان آل‌سعود وجود ندارد.



۶ راهکار برای نشست پروژه ناتو در قفقاز

چرا هم‌افزایی ایروان و تهران در مواجهه با تهدیدات دشمنان ضروری است؟

حسین یاری | گروه بین‌الملل

اگرچه انعقاد آتش‌بس اخیر میان باکو و ایروان، موقتا به درگیری میان طرفین پایان داده است، اما تحلیل فضای حاکم بر قفقاز، تابعی از ثوابت و متغیرات مهمی است که نمی‌توان در آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری تحولات منطقه آنها را نادیده انگاشت. همان گونه که بارها تاکید شده است، تحرکات خاص رژیم اشغالگر قدس و آمریکا نشان می‌دهد که خلق، تثبیت و استمرار بحران‌های مزمن و دامنه‌دار ژئوپلیتیکی و ژئو استراتژیک، به دستورالعمل کلان این دو بازیگر مداخله‌گر در آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شده است.

تلاش برای تغییر ژئوپلیتیک

جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان علیه ارمنستان یک رویداد بزرگ در منطقه قفقاز بود که تغییرات مهمی را به همراه داشته و می‌تواند آبستن تحولات جدی در آینده نیز باشد.

اهمیت جنگ آن‌قدر زیاد است که می‌توان تاریخ قفقاز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به قبل و بعد از جنگ ۴۴ روزه تقسیم کرد.

نقشه‌های جنگی جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه و رژیم اشغالگر قدس نشان داد که هدف اصلی آنها ایجاد تغییر ژئوپلیتیک در منطقه است. همچنین حضور فعال ترکیه و اسرائیل نیز نشان داد هدف آنها فقط ارمنستان نبوده است.

در واقع ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی و تأثیرگذاری بر امنیت ملی ایران یکی از اهداف اصلی جنگ بود چنانکه در سه سال گذشته جمهوری آذربایجان دائم در حال افزایش تنش‌های لفظی با ایران بوده است. البته به‌روشنی واضح است که جمهوری آذربایجان به‌تنهایی قادر به تشدید تنش با ایران نیست.

به‌عبارت‌دیگر بدون حمایت ترکیه و صهیونیست‌ها از باکو این کشور هرگز نمی‌توانست با ایران وارد تنش جدی شود. به عبارت بهتر، در اینجا آذربایجان در حکم یک متغیر مستقل ایفای نقش نمی‌کند و باید آن را متغیری وابسته به تل‌آویو، واشنگتن و آنکارا قلمداد کرد.

قاعده‌ای مهم در تحلیل شرایط قفقاز

در اینجا باید متوجه قاعده‌ای مهم و اساسی در تحلیل وقایع گذشته، جاری و آتی در قفقاز (خصوصا منازعات آذربایجان و ارمنستان) باشیم. بر این اساس تحولات منطقه قفقاز را نمی‌توان بدون در نظرگرفتن بازیگران خارجی مورد ارزیابی قرار داد. چنان که جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی در برنامه‌های خود ایران و ارمنستان را هدف قرار داده‌اند. البته در پشت‌صحنه، بازیگران دیگری نیز وجود دارند که از آن جمله می‌توان به آمریکا، انگلیس و ناتو اشاره کرد. حتی انگلیس سرمایه‌گذاری‌ها گسترده‌ای در صنایع نفتی جمهوری آذربایجان کرده و همواره یکی از حامیان ایده پان‌ترکیسم بوده است. اعضای پیمان آتلانتیک شمالی(ناتو) نیز بر اساس استدلال آمریکا تصور می‌کنند با ایجاد کریدور زنگزور می‌توانند یک خط زمینی تا دریای کاسپین ایجاد کنند.

سیونیک؛ نقطه کانونی مهم

در این بین سیونیک در جنوب ارمنستان به منطقه‌ای با اهمیت حیاتی مبدل شده است، زیرا چه در دوران جنگ و چه در سه سال اخیر، مهم‌ترین هدف باکو و حامیان خارجی آن مباحث مرتبط با قره‌باغ نبوده بلکه ایجاد کریدور جعلی زنگزور بوده است.

این مساله نشان می‌دهد که از ابتدا اهداف کلان‌تری در شکل‌گیری جنگ نقش داشتند. به هر روی در حال حاضر منطقه سیونیک به قلب تپنده ژئوپلیتیکی در قفقاز تبدیل شده است. اگر در گذشته قفقاز کانون‌های درگیری یا مناقشات دیگری داشت امروز کانون اصلی و تمرکز اصلی منطقه سیونیک است. این منطقه برای همه بازیگران درگیر و دخیل، چه بازیگران دور و چه بازیگران نزدیک یک موقعیت ویژه پیدا کرده است. به همین علت ضروری است که به این منطقه با جدیت بیشتری به‌عنوان یک موضوع بااهمیت نگریسته شود.

از دست‌رفتن سیونیک یک اتفاق بسیار تلخ و ناگوار است که آثار و پیامدهای آن نه‌تنها در زمان حال بلکه در آینده هم ادامه خواهد داشت. در واقع از دست‌رفتن سیونیک باعث پدیدآمدن مخاطرات ژئوپلیتیکی در منطقه خواهد شد.

ارمنستان در یک تنگنای جغرافیایی قرار دارد و مهم‌ترین راه گریز از این تنگنا ایران است. در طرف مقابل برای ایران هم عدم احداث آنچه کریدور زنگزور نامیده می‌شود موضوعی نیست که به‌سادگی تحمل شود. از این رو امروز سیونیک اهمیت حیاتی برای ایران و ارمنستان پیدا کرده است و به‌واسطه همین اهمیت حیاتی، ضرورت دارد که هر دو کشور همکاری‌های گسترده‌تری انجام دهند.

نکته

راه‌های بازتعریف روابط تهران-ایروان

بر اساس تحولات منطقه‌ای، ایران و ارمنستان می‌توانند همکاری خود را در چند مرحله تعریف کنند:

در **گام اول** ایران و ارمنستان باید به فکر ساخت جاده ترانزیتی برای مسیر نوردوز- ایروان باشند.

در **گام دوم**، ایران و ارمنستان باید از ساخت هر کریدور جدیدی که جمهوری آذربایجان را به نخجوان و سپس ترکیه متصل می‌کند، جلوگیری کنند.

در گام **سوم ایران** و ارمنستان باید بازارچه‌های مرزی مشترک ایجاد کنند. این اقدام منجر به افزایش تعاملات انسانی بین مردم دو کشور خواهد شد و به‌مثابه سدی محکم در برابر هرگونه توسعه‌طلبی ارضی باکو عمل خواهدکرد.

در **گام چهارم** ایران باید در جنوب ارمنستان سرمایه‌گذاری کرده و واحدهای اقتصادی بسازد و ایروان نیز باید شرایط را برای فعالیت تجاری ایران در منطقه تسهیل کند.

در **گام پنجم** ایران و ارمنستان باید یک اتحاد دفاعی امنیتی و نظامی منعقد کنند زیرا دو کشور با تهدیدات مشترکی روبه‌رو هستند. رژیم صهیونیستی، پان‌ترکیست‌های تحت نظارت و مدیریت دستگاه‌های امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی، دو دشمن اصلی تهران و ایروان هستند.

در **گام ششم**، ایران و ارمنستان باید با روسیه، گرجستان و هند برای ایجاد کریدور جدیدی برای اتصال خلیج‌فارس به دریای سیاه و اروپا همکاری کنند. همکاری ایران و ارمنستان، فرصت‌ها و فواید قابل توجهی برای هر دو کشور به همراه داشته و مانع از تحقق نقشه شوم بازیگران مداخله‌گر و دشمنان امنیت منطقه خواهد شد. حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی و مشارکت غیرمستقیم ناتو در قفقاز نشان می‌دهد روندهای جدیدی در منطقه پدیدار شده است. سوابق تاریخی نشان داده حضور ناتو در مناطق مختلف معمولا تنش‌آفرین بوده و می‌تواند به ایجاد بحران‌های جدید در قفقاز دامن بزند؛ قاعده‌ای که تهران و ایروان هر دو به وضوح نسبت به آن واقف هستند و بر همین اساس، باید سطح همکاری های خود را در مواجهه با نقشه دشمنان ارتقا دهند.

نگاه

فرامتن همکاری‌های فرهنگی اتحادیه اروپا و پاکستان

این روزها اخبار زیادی درخصوص تقویت همکاری‌های علمی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و پاکستان منتشر می‌شود. اگرچه در نگاه اول، این همکاری‌ها در قالب نوعی هم‌افزایی آموزشی میان این کشورها و اسلام‌آباد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، اما فرامتن موضوع پیچیده‌تر از حد تصور است.

واقعیت امر این است که بازیگران اروپایی روی مهندسی فرهنگ کشورهای مسلمان، خصوصا کشورهایی که دارای موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاصی در جهان امروز هستند، حسابی ویژه بازکرده‌اند. این قاعده درخصوص منطقه شبه‌قاره هند، خصوصا دو کشور هند و پاکستان نیز صادق است.

در یکی از تازه‌ترین این موارد، دولت مجارستان میزان استفاده از بورسیه تحصیلی برای دانشجویان پاکستان را دو برابر کرده‌است. پایگاه جامعه و فرهنگ ملل در همین زمینه به نقل از نشریه داون پاکستان گزارش معناداری را منتشر کرده‌است. بلا فازکاس، سفیر مجارستان در پاکستان با اعلام دو برابر شدن تعداد بورسیه‌های تحصیلی سالانه برای دانشجویان پاکستانی عنوان کرده‌است تعداد دانشجویان پاکستانی اکنون به ۴۰۰ نفر رسیده‌است.

وی ابراز اطمینان کرد هماهنگی‌های دوجانبه و تماس مردمی بین دو کشور ادامه خواهدیافت.

این تصمیم در حالی اتخاذ شده که دولت ویکتور اوربان در مجارستان، به اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه در قبال مهاجران و اتباع خارجی مشهور است. در چنین شرایطی، اقدام دولت بوداپست با مشی کلان دولت این کشور همخوانی ندارد و باید آن را در قالب نوعی بهره‌برداری از توان نخبگان پاکستانی در شکل‌دهی مناسبات آینده اسلام‌آباد و کشورهای اروپایی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

مجارستان سالانه ۲۰۰ بورسیه تحصیلی به دانشجویان نخبه پاکستانی می‌داد که این تعداد اکنون به ۴۰۰ نفر افزایش یافته‌است.

دانشگاه پنجاب لاهور توسط یک استاد مجارستانی تاسیس شد و چند پروژه توسط محققان و پژوهشگران مجارستانی در لاهور آغاز شده‌است. شایان ذکر است دکتر جی دبلیو لایتنر، محقق مجارستانی نقش مهمی در تأسیس دانشگاه پنجاب در سال ۱۸۸۲ ایفا کرد و همچنین وی اولین ثبت‌کننده دانشگاه بود.



دیدگاه

هجمه‌های سخت علیه مسلمانان در آلمان



اگرچه پارلمان اروپا به صورت مستمر، مداخله‌گرایی در امور دیگر کشورها را در دستور کار قرار می‌دهد اما بحران‌های جاری در داخل کشورهای اروپایی که خود را در قالب اسلام‌ستیزی سیستماتیک جلوه داده، روزبه‌روز افزون تر هم می‌شود. هتک حرمت مساجد روز به روز در آلمان نمود بیشتری پیدا می‌کند و بر نگرانی مسلمانان می‌افزاید.

به گزارش پایگاه جامعه و فرهنگ ملل و به نقل از خبرگزاری آناتولی، در پی افزایش نگران‌کننده خشونت و تهدید مساجد و مراکز اسلامی در آلمان، نمایندگان جامعه مسلمانان این کشور از مقامات خواستند اقدامات امنیتی و قانونی را برای حفاظت از آنها تشدید کنند.

مساجد در سراسر آلمان با افزایش نگران‌کننده خرابکاری، آزار و اذیت و تهدید مواجه هستند. کمال آرگون، رئیس گروه مسلمان ترکیه‌ای (IGMG) گفت: «مسجدهای بیشتری در هفته‌های اخیر نامه‌های تهدیدآمیزی دریافت کرده‌اند.» وی افزود: «ما از این گونه تهدیدها نمی‌ترسیم و مرعوب نخواهیم شد، اما ناامیدکننده است که در بیشتر تلاش‌ها برای آتش زدن مساجد که ممکن است جان بسیاری از مردم را بگیرد، عاملان آن شناسایی یا دستگیر نمی‌شوند.» براساس آمارهای رسمی، در سه ماه نخست سال ۲۰۲۳، ۱۲۴ حمله علیه مسلمانان شامل حملات لفظی و فیزیکی، پیام‌های تهدیدآمیز و آتش زدن مساجد به ثبت رسیده است. آرگون از مقامات خواست این گونه جنایات را به طور کامل بررسی کنند و عاملان آن را به دست عدالت بسپارند. وی همچنین خواستار موضع قوی‌تر در برابر نفرت ضد مسلمانان و افراط‌گرایی راست شد. متأسفانه، نژادپرستی در آلمان یک واقعیت است.

آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد حزب سیاسی نژادپرست و فاشیست (AfD) به دومین حزب بزرگ در کشور تبدیل شده‌است. این به تنهایی نشان می‌دهد ما به سمت یک دوره خطرناک پیش می‌رویم. یک نظرسنجی جدید هفته گذشته حزب ضد مهاجر آلترناتیو برای آلمان (AfD) را در جایگاه دوم و بالاتر از سوسیال دموکرات‌های صدراعظم اولاف شولتز قرار داد. در همین زمینه، برهان کسیچی، رئیس شورای اسلامی جمهوری فدرال آلمان گفت: «سیاستمداران احزاب دموکراتیک باید در مقابل پوپولیسم دست راستی بایستند و با پیام‌های ضداسلامی آنها مقابله کنند. ما از مقامات سیاسی انتظار داریم از جامعه مسلمانان حمایت کنند. آنها باید در سخنرانی‌های عمومی خود تأیید کنند مسلمانان بخشی از این کشور هستند و تهدیدی برای جامعه ما نیستند.» وی همچنین بر لزوم اتخاذ تدابیر امنیتی قوی‌تر برای حفاظت از مساجد و نهادهای اسلامی توسط پلیس تاکید کرد.